

همزمان با گذار مورخان مدرن از تاریخ سیاسی به آن چه بعدها تاریخ اجتماعی خوانده شد و رویکرد نوین آنان به پدیده‌هایی که صرفاً سیاسی نبودند، حوزه‌ی مطالعاتی تازه‌ای پدید آمد که امروزه از آن به جامعه‌شناسی تاریخی یاد می‌شود. این حوزه به طور کلی نقش حلقه‌ی ارتباطی تاریخ و جامعه‌شناسی را ایفا می‌نماید. به زبان ساده جامعه‌شناسی تاریخی، مطالعه‌ی گذشته برای پی بردن به این امر است که جوامن چگونه کار می‌کنند و چگونه تغییر می‌یابند. با توجه به این امر، پژوهشگران جامعه‌شناسی تاریخی را می‌بایست از دو گروه دیگر از محققان متماز ساخت. نخست از جامعه‌شناسان «غیرتاریخی»، که به لحاظ تجربی گذشته را نادیده می‌گیرند و از حیث مفهومی و نظری به بعد زمانی جیاتی اجتماعی و تاریخ مندی ساختار اجتماعی توجه نمی‌کنند. دوم از مورخان «غیرجامعه‌شناسختی»، که به لحاظ تجربی فرآیندها و ساختارها را که به جوامن تنوع می‌بخشند، نادیده می‌گیرند و از حیث مفهومی و نظری مشخصات کلیه فرآیندها و ساختارها و نیز روابط آن‌ها با کنش‌ها و وقایع را در نظر نمی‌گیرند. برخلاف این دو دسته، جامعه‌شناسی تاریخی توسط مورخان و جامعه‌شناسانی انجام می‌شود که تأثیر متقابل گذشته و حال، وقایع و فرآیندها و کشش‌گری و ساختاریابی را مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهند. اینان می‌کوشند تا تبیین مفهومی و نظری را با تعمیم تطبیقی و تحقیق تجربی درهم آمیزند^۱. بدین سان روشن است که داشت جامعه‌شناسی تاریخی همانند بسیاری از شاخه‌های علمی نوبید دیگر، داشتی نوپا، مدرن و عمدتاً غربی است. غربی بدان معنا که خاستگاه، بنیان گذاران و تحقیقات عمده‌ی آن در غرب شکل گرفته است. از این رو هنگامی که سخن از جامعه‌شناسی تاریخی بهمیان می‌آید، نگاه‌ها، همه به‌سوی پژوهشگران غربی می‌رود. اما امروزه خوشبختانه با تحقیقات و کاوش‌های جدید که در آثار تاریخی اسلامی صورت گرفته است، برخی تلاش‌ها و گرایش‌های پاره‌ای از مورخان بزرگ مسلمان در زمینه‌ی نگاه اجتماعی و اقتصادی به پدیده‌های تاریخی نمایان شده است که این مسئله خود فتح باب امیدوار کننده‌ای در شناختن هرچه بیشتر جامعه‌شناسی تاریخی در سرزمین‌های اسلامی خواهد بود. البته این امر بدان معنا نیست که ما در قرون میانه با نوعی جامعه‌شناسی تاریخی به مفهوم امروزی کلمه مواجه هستیم، بلکه بهمعنای وجود نوعی بعد اجتماعی در بخشی از تاریخ نگاری اسلامی است. یا به عبارت بهتر، برخی

جامعه در تاریخ‌نگاری مقریز

• حسین حاتمی



- اقتصاد، جامعه و مدیریت در تاریخ‌نگاری مقریزی
- نگارش و ترجمه: علی غلامی دهقی فریدنی
- تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، تعداد صفحات: ۱۹۰

برخی از مورخان بزرگ مسلمان گرایش به نگارش
نوعی از تاریخ اجتماعی داشته‌اند که امروزه در
حوزه‌ی مطالعاتی جامعه‌شناسی تاریخی قرار
می‌گیرد

تاریخ‌نگاره مقریزی

حضور ذهن خوبی داشت، اما درباره‌ی وقایع دوران اسلامی و شناخت شخصیت‌ها و جرح و تعذیل آن‌ها و رموز تاریخ مهارت نداشت» (ص ۲۴). از این بالاتر، سخاوهی حتی او را به اختلاس علمی و تحریف تاریخ نیز متهم کرده است. با این وجود نویسنده کتاب تلاش کرده است همه این اتهامات را بی‌مورد و مقریزی را تبرئه نماید. به طور کلی مطالعه‌ی فصل نخست، خواننده را وارد فضای اجتماعی - سیاسی می‌نماید که در آن اندیشه‌ی تاریخ اجتماعی مقریزی شکل گرفته است. از این منظر، فصل نخست حکم تمهدی ذهن خواننده‌ی کتاب برای ورود به مباحث اصلی را خواهد داشت.

«روش تحقیق اجتماعی مقریزی در کتاب «اغاثه الامه بکشف الغمة» عنوان فصل دوم کتاب است. کتاب «اغاثه الامه» که موضوع اصلی مورد بحث نویسنده در این فصل است، در بردارنده‌ی گونه‌هایی از شناخت و معرفت در زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی است که به‌ندرت در کتاب دیگری دیده می‌شود. امتیاز مهم این کتاب به موضوع آن بر می‌گردد. مقریزی در این اثر خویش، تاریخ بحران‌های اقتصادی، قحطی‌ها و گرانی‌های مصر را از زمان توفان نوح تا زمان تأییف کتاب در سال ۸۰۸ ق گزارش کرده است. مقریزی با تأییف این کتاب، جزو معدود مورخانی قرار می‌گیرد، که فارغ از جنبه‌های صرفاً سیاسی تاریخ، به طور خاص به تاریخ اقتصادی - اجتماعی پرداخته است. مقریزی با ورود به بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی تاریخ مصر، بهیان علل پیدایش بحران‌ها در جامعه و ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای درمان آن‌ها و در فصول پایانی کتاب به معرفی اصناف و طبقات جامعه مصر و بیان مؤلفه‌های هریک و میزان آسیب‌پذیری آن‌ها دربرابر بحران پرداخته و با توصیف قوم‌نگارانه اوضاع مصر، که خود در آن می‌زیسته است، به چگونگی استمرار آثار بحران‌ها در ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه توجه نموده است. به این ترتیب نویسنده در این فصل نویسنده تلاش کرده است تا روش تحقیق اجتماعی مقریزی را تحلیل و بررسی نماید. نویسنده بر این باور است که مقریزی بدون آن که خود اشاره کند، به طور کلی از چهار روش زیر در تحقیق خود بهره برده است:

(الف) مشاهده سنتیم و عینی؛ (ب) مقایسه و تطبیق؛ (ج) مطالعه منابع و

بهره‌گیری از آن؛ (د) نقل از روایان موثق (ص ۳۰).

بهار نویسنده، به دلیل این که مقریزی قحطی، گرسنگی و بحران اقتصادی مصر را در زمان خویش مستقیماً دیده است، بهویژه آن که بحران بزرگ اقتصادی مصر در سال ۷۹۶ تا ۸۰۸ ق هم‌زمان با تأییف

از مورخان بزرگ مسلمان گرایش به نگارش نوعی از تاریخ اجتماعی داشته‌اند که امروزه در حوزه‌ی مطالعاتی جامعه‌شناسی تاریخی قرار می‌گیرد. تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی (۷۶۶ - ۸۴۵ ق) از تاریخ‌نگاران و تمدن نویسان قرن هشتم و نهم هجری یکی از این مورخان است. مقریزی از مورخان برجهستی تاریخ مصر و نویسنده‌ی دانشنامه‌ی بزرگ الماعظ و الاعتبار بذک الخططا و الاڭار در تاریخ فرهنگ و تمدن و اقتصاد مصر و سرزمین‌های هم‌جوار آن است.

اما آن‌چه در این میان میان مقریزی را به طور مشخص در زمرة‌ی مورخان اجتماعی قرار می‌دهد، کتاب «اغاثه الامه بکشف الغمة» است که به تاریخی با ترجمه، شرح و تفسیر و حاشیه‌ی علی غلامی دهقی فردینی در قالب کتاب اقتصاد، جامعه و مدیریت در تاریخ‌نگاری مقریزی روانه بازار نشر شده است. کتاب اخیر علاوه بر اشتغال بر متن عربی و ترجمه‌ی فارسی «اغاثه الامه بکشف الغمة»، طی سه فصل به بررسی شخصیت، روش تحقیق در تاریخ‌نگاری و نظریه‌ی اجتماعی مقریزی پرداخته است. فصل اول کتاب با عنوان «شخصیت علمی و دوش تاریخ‌نگاری مقریزی»، عمدتاً به بررسی فضای پرداخته است که شخصیت علمی و آثار مقریزی در آن شکل گرفته است. بر اساس آن‌چه در این فصل ترسیم شده است، دروان جیات مقریزی معاصر با سال‌های پایانی دولت ممالیک بحری (۶۴۸ - ۷۶۲ ق) و آغاز حاکمیت برجی و چرکسی (۷۸۲ - ۹۲۲ ق) بود. مقریزی پس از تحصیل مدارج علمی، عهده دار مقام‌ها و مناصب دولتی نیز گردید. مسئولیت دیوان انشاء، نیابت قضایی القضاط شافعی، امامت جماعت، تدریس در مدارس و از همه‌ی تر منصب حسبه و محتسبي شهر قاهره از جمله مناصب حکومتی مقریزی بوده است. تصدی منصب اخیر، سبب نظرات وی بر تمام شئون اجتماعی و اقتصادی شهر قاهره می‌شد. امری که می‌تواست در تکوین نظریات تاریخ اجتماعی وی بسیار مؤثر واقع شود. پذیرش این مسئولیت که چندین بار به‌ویژه در خلال سال‌های ۸۰۷ - ۸۱۰ ق اتفاق افتاد، موجب شد که این مورخ نامدار مصری، با تجربه‌ای که در این زمینه اندوخته بود، با نگارش کتاب «اغاثه الامه بکشف الغمة»، با دقت مoshکافانه‌ای زوایای تاییدی حیات اجتماعی

- اقتصادی مصر را بررسی علمی نماید. (ص ۸ در ادامه‌ی آثار، استادان و

روش تاریخ‌نگاری مقریزی به صورت مختصر تشریح شده است. آخرین

صفحات فصل نخست کتاب به بیان اتهام شمس‌الدین سخاوهی (۸۳۱ - ۹۰۲ ق) اختصاص یافته است. سخاوهی، مورخ معاصر مقریزی، در آثار

خود مقریزی را مورخی می‌داند که «نسبت به حوادث گذشته‌ی جاهلی،

- اجتماعی و راهکارهای حل آن‌ها قرار دارد. از نقطه نظر نویسنده کتاب، درمجموع می‌توان گفت نظریه‌ی اجتماعی مقریزی را یک متیر مستقل و چند متیر وابسته تشکیل می‌دهد. مقریزی ریشه و اساس بحران اقتصادی - اجتماعی را در سوءتدبیر حاکمان و زمامداران و غفلت و بی‌خبری آن‌ها از مصالح مردم دانسته است (متیر مستقل). او معتقد است از این عامل اصلی، عوامل دیگر همچون احراز مناصب دولتی با رشوه، بالا رفتن هزینه‌های دولتی و رواج انواع پول کمارازش به جای درهم و دینار به وجود می‌آیند که می‌توان از آن‌ها به عنوان متغیرهای وابسته تحقیق تعبیر نمود. (ص ۴۰)

«عوامل مؤثر در پیدایش نظریه‌ی اجتماعی مقریزی» عنوان قسمت اول این فصل است. نویسنده عوامل پادشاه را به دو دسته شرایط بحرانی و تجارب شخصی واقع‌نگری تقسیم می‌کند. ازان جاکه تاریخ پیدایش علوم و اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی رابطه‌ی عینی و واقعی با شرایط بحرانی جامعه دارد^۲. پیدایش نظریه‌ی اجتماعی مقریزی نیز، به‌طور مستقیم به‌شرایط بحرانی جامعه‌ی عصر او وابسته است. از این‌رو مهم‌ترین عامل پیدایش نظریه‌ی مقریزی را می‌توان همین شرایط بحرانی دانست. از سوی دیگر، همان‌گونه که گفته شد، تصدی مسئولیت حسبه شهر قاهره که به‌طور ملموس به او اجازه می‌داد تا با واقعیت‌های اجتماعی جامعه آشنا شود، به عنوان مهم‌ترین تجربه‌ی شخصی، عامل دیگری بود که در تکوین نظریه‌ی اجتماعی او مؤثر واقع می‌شد.

محوری ترین موضوع نظریه‌ی اجتماعی مقریزی، تبیین عوامل بحران‌زا در جامعه است. مقریزی به‌طول کلی این عوامل را به دو دسته عوامل طبیعی و عوامل اجتماعی تقسیم می‌کند. مقریزی در بیان عوامل بحران‌زا نخستین عامل را عامل طبیعی می‌داند. او در این زمینه می‌نویسد: «این بحران‌ها در مصر، زاییده‌ی آفات آسمانی است؛ همچون جاری نشدن آب نیل در مصر، نباریدن باران در سرزمین‌های شام، حجاز و عراق و یا آفات زیان‌بار دیگری مانند بادهای سمنی، ملخ و غیر این‌ها بوده‌اند» (ص ۴۳) مقریزی پس از بیان این واقعیت که عوامل طبیعی در ایجاد بحران در جامعه مؤثر است، می‌نویسد: «اما آن‌چه امروز در کشور به وجود آمده برخلاف گذشته معلول عوامل طبیعی نیست» بلکه عوامل اجتماعی در آن دخالت دارند. «سوء مدیریت» یکی از مهم‌ترین این عوامل اجتماعی است. مقریزی به‌صراحت در آغاز کتابش می‌نویسد: «اگر کسی در این گونه رویدادها دقت و تأمل کند و آغاز تا انجام آن را خوب بشناسد، خواهد فهمید که علت تمام این ناگواری‌ها، بی‌تدبیری زمامداران و فرمانت‌وایان و غفلت و بی‌خبری آنان از مصالح مردم است نه گرانی و

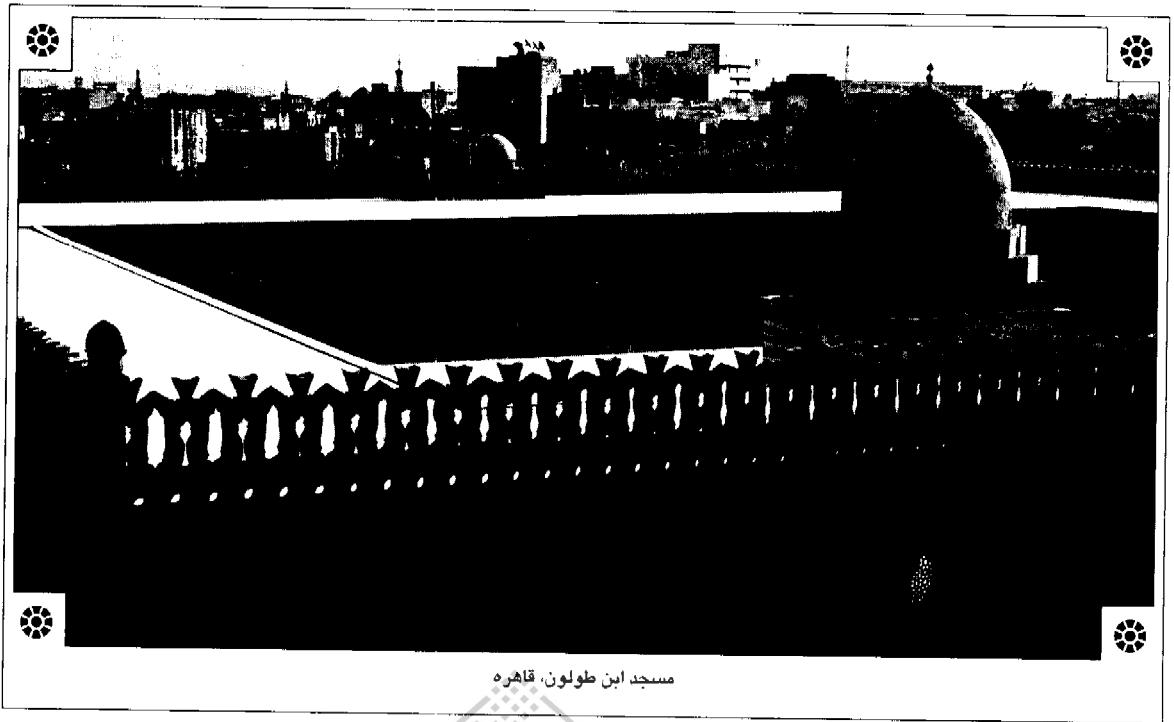
کتابش روی داده است، بنابراین او با «مشاهده‌ی مستقیم» موضوع کتابش را مورد مطالعه قرار داده است. اشاره به شواهد و جزئیات فراوان مربوط به این بحران‌های مصر در إغاثة الامه حاصل همین مشاهده و حضور مستقیم مقریزی در بطن رویدادهای مورد نظر است. مرحله‌ی بعدی در روش تحقیق مقریزی مقایسه و تطبیق است. پژوهش تطبیقی مقریزی در حقیقت می‌خواهد به مردم زمان خویش و آیندگان توضیح دهد که در گذشته نیز مانند آن‌چه امروز روی داده، وجود داشته است؛ بلکه آن‌چه در گذشته اتفاق افتاده، بسی سخت‌تر از امروز بوده است. (ص ۳۳) مقریزی خود این مطلب را، هم در مقدمه‌ی کتاب و هم در

فصل نخست آن، تحت عنوان «فی ذکر مقدمه حکمیه تشنتمل على قاعده كلية» بیان داشته است. در راستای رسیدن به این هدف و اثبات این که در گذشته بحران‌های اقتصادی و اجتماعی سخت‌تری پدید آمده است، مقریزی اقدام به مقایسه‌ی چرخه‌ی اقتصادی مصر در ادوار مختلف نموده است. وی بحران‌های مصر را به ترتیب تا عصر خویش بررسی و از گرانی گزارش داده است که چهل سال به طول انجامیده است. «مطالعه‌ی منابع و نقل روایت از آن‌ها» سومین روش مورد استفاده مقریزی در إغاثة الامه است. مقریزی خود در این کتاب به برخی از منابع اش اشاره دارد. کتاب اخبار مصر لما قبل الاسلام از ابراهیم بن وصیف شاه، سفرنامه‌ی ابوالقاسم بن یزید، کتاب حنا التحل و حیا المحل نوشته حافظ المغرب محمد بن سعید و تاریخ دمشق ابن عساکر از جمله منابعی است که در إغاثة الامه از آن‌ها نام برده شده است. «بهره‌گیری از روایان موثق» چهارمین روش مقریزی است. این روش، شیوه‌ای مرسوم در میان تاریخ‌نگاران اسلامی است و مورد اهتمام مقریزی نیز بوده است. او خود در خلال مباحث إغاثة الامه بارها به فقه بودن روایاتش اشاره دارد. همانندی روشی مقریزی و ابن خلدون وابسین مبحث فصل دوم است. در این قسمت نویسنده در بحثی فشرده و موجز به برخی از وجوه شیاهت إغاثة الامه و مقدمه ابن خلدون پرداخته است. از نظر نویسنده هر دو مورخ پیرامون جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه قلم زده‌اند؛ با این تفاوت که کتاب مقریزی از حجم سیار کمتری برخوردار است و صرفًا منحصر به جامعه‌ی مصر است. اما این وجود می‌توان بیشترین همانندی را در موضوع و روش مقدمه و إغاثة الامه جست و جو نمود.

سومین و مهم‌ترین فصل کتاب «نظریه اجتماعی مقریزی در کتاب إغاثة الامه بکشف الغمة» است. نویسنده در این فصل تلاش کرده است تا در خلال مباحث مطرح شده در إغاثة الامه، نظریه‌ی اجتماعی مقریزی را تبیین نماید. این نظریه عمده‌تاً حول عوامل وقوع بحران‌های اقتصادی شده است

آن‌چه مقریزی را به‌طور مشخص در زمره‌ی مورخان
اجتماعی قرار می‌دهد، کتاب إغاثة الامه بکشف الغمة
است که به تازگی در قالب کتاب اقتصاد، جامعه و
مدیریت در تاریخ‌نگاری مقریزی روانه بازار نشر
شده است

تاریخ‌نگار مقریز

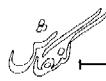


مسجد ابن طولون، قاهره

شیاهت نظریات او با مقریزی را تشریح نموده است. سومین پیامد و کارکرد منفی سوء مدیریت، رواج پول کمارزش (رواج الفلوس) است. بنابر نظر برخی از محققان شاید بتوان گفت مقریزی شخصیت نویسنده عرب است که به اثر پول نقد در حیات اقتصادی و اجتماعی پرداخته است.^۳ مقریزی به درستی میان بحران اقتصادی مصر و سیاست پولی حکومت این سرزمین پیوند ایجاد کرده است. مقریزی با اشاره به این مسئله که تا زمان او، همواره پول رایج مصر درهم و دینار (طلا و نقره) بوده است، می‌نویسد: «در زمان ایوبیان (۵۶۴-۴۵۰ق) پولی رواج یافت که عیار آن پایین و جنسش از مس بود. این پول به قدری گسترش یافت که هر مثقال طلا به ۱۵۰ فلس (پول مسلی) رسید. مردم به سبب چندگانگی پول در خرید نیازمندی‌های خوش با مشکلات فراوانی مواجه نشدند. این پول جدید (مسی) با وجود فراوانی از اعتبار لازم برخوردار نبود» (ص ۵۵). مقریزی از اسیبی که رواج فلوس و پول‌های کمارزش به جامعه مصر وارد کرده بود، چنان نگران بود که می‌نویسد از بیان آن شرم درم و همواره امید از میان رفتن آن را داشته است.

در ادامه و در قسمت «دیدگاه مقریزی درباره یک قانون اقتصادی» نویسنده تلاش دارد اثبات کند که مقریزی دهها سال پیش از واضعان دو نظریه‌ی قانون گرشام و نظریه‌ی مقداری پول، این دو نظریه را در اغانه‌الامه از پول و هدایا نمی‌بایند و ناچار هریک زمین‌های اقطاعی و کشاورزان زیر نفوذ خوبی را تحت فشار قرار داده و هزینه‌ها را افزایش می‌دهند. این مسئله از نظرگاه مقریزی آثار و نتایج سوئی نیز به دنبال خواهد داشت: «با افزایش قیمت‌ها، بیشتر روستاهای شهرها و شهرا ویران شده و زمین‌های زراعی بدون کشت رها می‌شوند و جامعه با کمیود محصولات کشاورزی مواجه می‌گردد. به همین سبب، کشاورزان در اثر فحطی در سرزمین‌های گوناگون پراکنده می‌شوند» (ص ۵۱). نویسنده‌ی کتاب در این قسمت با اشاره به برخی از آراء این خلدون در زمینه‌ی مورد بحث، هماهنگی و

قطعی‌های ویران‌گر». (ص ۴۵) به باور نویسنده‌ی کتاب، مقریزی پس از بیان آن که بحران‌ها و نابسامانی‌های مصر تنها معلول عوامل طبیعی و آفات ارضی و سماوی نیست، به پیامدها و کارکردهای چنین سوء مدیریتی پرداخته و آن‌ها را در سه مورد منحصر نموده است. نخست احراز مقام‌های دینی و دولتی با رشوه (فساد سیاسی)، مقریزی فساد سیاسی را ریشه و اساس فساد در جامعه می‌داند که دیگر مفاسد پیامد آن است، فساد سیاسی در دیدگاه مقریزی چنین تصویر می‌شود که گروهی با پرداخت رشوه برخی مقام‌های حساس و مناصب کلیدی قدرت سیاسی و دینی هم‌چون وزارت، قضاؤت، استانداری، شهرداری و سایر مراکز قدرت را عهددار می‌شوند. او معتقد است به طور طبیعی، هرگاه کسانی با دادن رشوه به این مقامات می‌رسند، مال از دست رفته را با احتکار کالاها و افزایش مالیات‌ها دوباره به دست می‌آورند. مقریزی در جای جای کتابش، بارها به وجود چنین سیستم فاسدی در نظام فساد سیاسی حاکم اشاره کرده است. دومین پیامد و کارکرد سوء مدیریت از نگاه مقریزی، افزایش مالیات‌ها و هزینه‌های تولید (غلاء الاطیان) است. این مسئله را می‌توان در راستای همان مورد پیشین تحلیل نمود. چراکه وقتی امیران با پول به مناصب دولتی دست یافته‌اند، برای تزدیک شدن به سلطان، باز ایزاری بهتر از پول و هدایا نمی‌بایند و ناچار هریک زمین‌های اقطاعی و کشاورزان زیر نفوذ خوبی را تحت فشار قرار داده و هزینه‌ها را افزایش می‌دهند. این مسئله از نظرگاه مقریزی آثار و نتایج سوئی نیز به دنبال خواهد داشت: «با افزایش قیمت‌ها، بیشتر روستاهای شهرها و شهرا ویران شده و زمین‌های زراعی بدون کشت رها می‌شوند و جامعه با کمیود محصولات کشاورزی مواجه می‌گردد. به همین سبب، کشاورزان در اثر فحطی در سرزمین‌های گوناگون پراکنده می‌شوند» (ص ۵۱). نویسنده‌ی کتاب در این قسمت با اشاره به برخی از آراء این خلدون در زمینه‌ی مورد بحث، هماهنگی و



ضروری ترین راهکار خواهد بود. اصلاح سیاست پولی دومین راهکار مقربیزی در رهاندن جامعه از نابسامانی‌های اقتصادی - اجتماعی است. او اساس این راهکار را در بازرگاراندن پول رایج به شیوه‌ی پیشین و رواج دویاره‌ی درهم و دینار (طلاء و نقره) و الغای پول کم ارزش مسی (فلوس) می‌داند. او در این باره می‌نویسد: «بدان ما بر این باوریم که پول نقد (سکه) که شرعاً و عقلاً و عرفاً اعتبار دارد، تنها طلا و نقره است... از سوی دیگر زندگی مردم به حالت عادی بازنخواهد گشت جز این که سکه‌ها به حالت طبیعی و شرعی بازگردند و آن این است که قیمت کالاها و ارزش کارها فقط با درهم و دینار (طلاء و نقره) محاسبه گرددند، نه جز آن» (ص ۶۷). از این جا تا پایان کتاب را ترجمه‌ی متن کتاب «اغاثه الامه» بکشف العجمة به همراه متن اصلی آن تشکیل می‌دهد که نویسنده کتاب در سه فصل پیشین به توضیح و تفسیر محتوای آن پرداخته بود.

در نهایت باید گفت انتشار کتاب «اغاثه الامه» بکشف العجمة به همراه تفسیر و توضیحات کافی در قالب کتاب اقتصاد جامعه و مدیریت در تاریخ نگری مقربیزی گام مهم و سودمندی در شناخت نظریات یکی از مورخان بزرگ اقتصادی - اجتماعی مسلمان و بهطور کلی تاریخ اجتماعی اسلامی است. بهویژه که ترجمه‌ی کتاب روان و کاملاً قابل فهم است و مترجم با حدود هفتاد صفحه توضیح و تفسیر، کمک وافری به فهم درست کتاب مقربیزی کرده است و خواننده‌ی علاقمندی تواند با مطالعه‌ی این هفتاد صفحه، تقریباً بهطور کامل به نظریات مقربیزی اشاره کند. اما این وجود یک نکته‌ی تأمل برانگیز درباره‌ی این کتاب قابل توجه است: این که نویسنده کتاب تلاش کرده تا از مقربیزی، بهویژه در زمینه‌ی جامعه‌شناسی اقتصادی شخصی نظریه‌پرداز و تئوری‌سین ترسیم کند که توانسته است در رابطه با بحران‌های بزرگ اقتصادی معاصر خود نظریه‌پردازی نماید. آنچنان که گویی می‌توان او را هم در تاریخ اقتصادی ایران بزرگ امروزی دانست. اگرچه نمی‌توان در بزرگ و ابتکار از در تاریخ اجتماعی و اقتصادی تردیدی روا داشت، اما به نظر می‌رسد در ترسیم چنین شخصیتی از او باید بسیار محتاط بود. چرا که مطالعه متن کتاب «اغاثه الامه» بکشف العجمة هرگز از او چنین تصویری نشان نمی‌دهد. این کتاب در حقیقت یک اثر بزرگ و تحلیلی تاریخ اجتماعی - اقتصادی است نه یک متن نظری و تئوریک پیرامون جامعه‌شناسی تاریخی و اقتصادی. حتی خود مقربیزی نیز در هیچ کجا کتاب چنین ادعایی ندارد. چراکه شناسایی عوامل بحران‌زا در عرصه‌ی اقتصاد و اجتماع یک جامعه و تشریح راهکارهای مقابله با آن، با تبیین نظری و تئوریک یک بحران اقتصادی یا اجتماعی در قالب یک نظریه‌ی مبنای کاملاً متفاوت است. البته شاید بتوان برخی وجه نظری در «اغاثه الامه» یافت، اما نه در آن اندازه که بتوان مقربیزی را یک نظریه‌پرداز بزرگ جامعه‌شناسی تاریخی دانست.

پی‌نوشت

- ۱ - اسمیت، دنیس، برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه سید هاشم آجری، انتشارات مروارید، ۱۳۸۶، ص ۱۶
- ۲ - برای بحث بیشتر در این زمینه بنگرید به آزاد ارمکی، تقدیم، جامعه‌شناسی این خلدون، انتشارات تیبان، ۱۳۷۶، ص ۶۹
- ۳ - برای بحث بیشتر در این زمینه بنگرید به ناصری طاهری، «تأثیر بحران اقتصادی عصر فاطمی (از نگاه مقربیزی)»، آینه پژوهش، ش ۲۱، سال ۱۳۷۷، ص ۴۵

را خواهد گرفت (ص ۵۸). نویسنده کتاب هم‌چنین نظریه مقداری پول را که توسط ایروینگ فیشر (۱۸۶۷ - ۱۹۴۷ م) پروانه شده است، در آثار مقربیزی جستجو کرده است. به نظر او فیشر در نظریه‌ی مقداری پول، دنباله‌رو مقربیزی است. مقربیزی با بررسی تاریخ انواع پول در مصر، این نظریه را پیش از فیشر مطرح کرده است. به این ترتیب مقربیزی را می‌توان از پیش‌روان تئوری کمیت در ارزش پول دانست. مقربیزی میان کمیت پول و سطح عمومی نرخ‌ها رابطه برقرار کرده و می‌گوید بر اساس این نظریه، وقتی شرایط معینی موجب تغییر در کمیت پول شد، به همان نسبت در سطح نرخ‌ها تغییر به وجود می‌آید و جامعه را بحران مواجه می‌کند (ص ۵۹).

از نگاه مقربیزی پس از سوء مدیریت، «بحران اقتصادی» دومین عامل اجتماعی بحران‌زا در جامعه است. چنین بحرانی خود پیامدهای متعددی برای جامعه به همراه دارد. «سلب امنیت اجتماعی» یکی از مهم‌ترین این پیامدها است. مقربیزی با بیوند زدن میان فساد سیاسی، افزایش هزینه‌ها و رواج فلوس از یکسو و تهدید امنیت اجتماعی از سوی دیگر، پدیده اخیر را معلوم عوامل سه‌گانه بحران‌افرین در جامعه دانسته است. برای نمونه می‌نویسد: «در سال ۳۵۲ ق که در دولت آل اخشید بحران اقتصادی به وجود آمد و بهای برخی اجناس بسیار افزایش یافت، امنیت اجتماعی مصر سلب شد... باع و غلات مردم به غارت رفت... بازارها غارت گردید و آتش‌سوزی‌های زیادی به وجود آمد و جامعه کاملاً ناامن شده بود» (ص ۶۰). به باور مقربیزی، «تهدید تمامیت ارضی و سیاست خارجی» دومین پیامد پیدایش بحران اقتصادی است. مقربیزی به مواجه شدن دولت فاطمیان با این بحران اشاره کرده که چگونه برخی از امیران از این موقعیت بهره‌برده و سر به شورش می‌نهادند و در اثر آن، بخشی از قلمرو فاطمیان را جدا می‌کردند. جدایی مکه و مدینه در سال ۴۶۲ ق از قلمرو فاطمیان، پیامد یکی از این بحران‌های اقتصادی بود.

مقربیزی هم‌چنین در فصل پنجم «اغاثه الامه» مردم مصر را به هفت طبقه‌ی اقتصادی تقسیم و تأثیر بحران اقتصادی را در هر یک از این طبقات بررسی نموده است. دولتیان (أهل الدولة)، بازرگانان ثروتمند و صاحبان نعمت و رفاه (أهل اليسار من التجار)، بازایران و بزازان و دست‌فروشان (الباعه) و هم متوسط الحال من التجار، کشاورزان و روستاییان (أهل الفلاح)، فقرا و اقشار کم‌درآمد شامل فقیهان، دانشجویان و بسیاری از نظامیان و کارمندان دولت (الفقراء و هم الفقهاء و طلاق العلم و الكثیر من أجياد الحلقة و تحومهم)، صاحبان صنایع و حرف (ارباب الصنائع والأجزاء أصحاب المهن) و نیازمندان و مساکین که زندگی را با گذایی می‌گذرانند (ذوو الحاجه و المسکنه) عناوین این طبقات اقتصادی - اجتماعی هستند. (ص ۶۴) به باور مقربیزی درست است که در بحران‌های اقتصادی بیشترین آسیب را طبقات چهارم تا هفتم متحمل می‌شوند، اما به طور کلی در چنین بحران‌هایی همه طبقات زیان می‌بینند.

مقربیزی در واپسین فصل «اغاثه الامه» در قالب نظریه‌ی اجتماعی خود، به راهکارهای حل و رفع بحران‌های اقتصادی می‌پردازد. به طور کلی او سه محور اساسی را برای سامان دادن به اوضاع نابسامان اقتصادی - اجتماعی مصر پیشنهاد می‌نماید. از بین بردن فساد سیاسی - اداری - نخستین راهکار اوست. از آن جا که او همواره فساد سیاسی را مهم‌ترین عامل بحران‌های اقتصادی می‌داند، از این رو اصلاح چنین فسادی